

قبطران این خبر خوش برسانید
کاش شب قدر است هر قدر بدانید



این گونه باشیم

رضیه برجیان

دیگران برای رسیدن به منافع بیشتر معنا ندارد. در جهانی که هر چیز دقیقا سر جای خود قرار گرفته، دیگر کمبودی وجود نخواهد داشت؛ چنان که فقیری. رسیدن به این سطح از آگاهی قرار نیست در یک لحظه اتفاق بیفتد و به مدد اعجاز که اگر قرار بود معرفت و ایمان این گونه حاصل شود، دیگر مجاهدتها و دعوت‌های انبیاء لازم نبود. چه آن که خداوند می‌توانست با معجزه و نشانه‌ای راهی جزایمان و تسلیم برای همه باقی نگذارد. * همان‌طور که در قیامت راهی برای انکار کسی باقی نمی‌ماند. مسأله این است که رسیدن به این سطح از آگاهی و تجربه کاملا اختیاری است، هم‌چنان که یک ضرورت برای ظهور. پس راهی باقی نمی‌ماند برای یک منتظر، جز عمل به این معرفت و تلاش برای گسترش آن در جامعه.

* سوره شعراء، آیه ۴.

هماهنگی‌ها چگونه اتفاق می‌افتد یا به عبارت بهتری چگونه می‌تواند اتفاق بیفتد؟ خوب می‌دانیم که نظمی دقیق بر جهان حاکم است، همه موجودات از ابر و باد و خورشید و ماه گرفته تا گیاهان و جانوران بر طبق این نظم حرکت می‌کنند. در این میان تنها انسان است که مختار است؛ مختار است که این نظم و نظام را که ناشی از حکمت الهی است بپذیرد یا دست به تلاشی بیهوده بزند برای تغییر آن. تلاشی که علت اصلی پر شدن دنیا از ظلم و ستم است. قبل از ظهور و در جامعه پس از ظهور، مهم‌ترین چیزی که اتفاق می‌افتد رشد انسان‌ها و رسیدن بشر به این نقطه است که جز دستور العملی الهی چیز دیگری نمی‌تواند و نباید سبک زندگی و شیوه حرکت و مسیر آن‌ها را تعیین کند و این پذیرش و طلب، نتیجه‌ای جز از بین رفتن سیل‌ها، زلزله‌ها و... نخواهد داشت. هم‌چنان که در چنین تفکری جایی برای آسیب‌زدن

هر تلاشی معطوف به یک هدف شکل می‌گیرد و آن هدف است که باید‌ها و نبایدها، ضرورت‌ها و آسیب‌های هر مسیر را تعیین می‌کند؛ همان‌طور که مسیر رسیدن را هم تعریف می‌کند. (برای رسیدن به قطب شمال کسی به طرف جنوب حرکت نمی‌کند) و تلاش برای برپایی دولت حق نیز از این قاعده مستثنی نیست. تا تعریفی جامع و دقیق از جامعه پس از ظهور نداشته باشیم هر گونه تلاشی برای رسیدن به آن؛ معنای واقعی خود را پیدا نمی‌کند و حتی معلوم نمی‌شود که چقدر تلاش ما مفید و در مسیر بوده است. شاید اولین تصویرها از جامعه پس از ظهور، عدالت باشد و صلح و آرامش و این که آسمان و زمین برکت‌های خویش را آشکار می‌کنند. دیگر از سیل، قحطی و... خبری نیست. این‌ها همه درست اما چرا و چگونه؟ چرا این هماهنگی میان تمام هستی را تنها در جامعه پس از ظهور می‌توان یافت و مهم‌تر این که این